

## عنوان مقاله:

ارائه رویکردی نوین در جهت بررسی قدرت مدیر بر سرمایه شرکتهای موجود در بورس اوراق بهادار تهران

## محل انتشار:

دهمین کنفرانس بین المللی علوم مدیریت و حسابداری (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسنده:

آمنه مطلبی

## خلاصه مقاله:

به طور کلی نظام راهبری شرکتی، مجموعه روابط میان مدیریت اجرایی، هیئت مدیره، سهامداران و سایر طرفهای مربوط در یک شرکت است که با هدف ایجاد ساختاری مناسب موجب تنظیم اهداف شرکت شده و راههای دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد را نیز تعیین می کند. از جمله مهمترین اهداف شرکت ها ایجاد ارزش و افزایش ثروت سهامداران در بلندمدت می باشد حداکثر کردن ارزش شرکت ها مستلزم اجرای پروژههای سودآور توسط آنها می باشد. اجرای پروژههای سودآور مستلزم تامین مالی می باشد. استراتژی های موجود برای تامین مخارج سرمایه ای بر ساختار سرمایه شرکت ها اثرگذار می باشد. در این راستا، مدیران شرکت و به ویژه مدیر عامل نقش مهمی را در تصمیمات مرتبط با تامین مالی ایفا می کند و موفقیت و شکست بسیاری از سازمانها در گرو تصمیم گیری مدیران است. مدیر عامل شرکت در نقش رهبر اصلی بر عملکرد گروهی تاثیر بسزایی دارد و به عنوان یک رکن اساسی در پیشبرد اهداف سازمان مطرح است. بر اساس نتایج تحقیق قدرت مدیر عامل تاثیر مثبت بر اهرم مالی شرکت دارد. به طور خاص، مطابق با نظریه جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) که بیان می کند اهرم مالی با کاهش مشکلات جریانات نقدی؛ نقش مهمی در هماهنگی بین منافع مدیران و سهامداران و کاهش مشکلات نمایندگی در پی دارد؛ با افزایش سطح قدرت مدیر عامل، اهرم مالی نیز افزایش پیدا می کند تا زمانی که نقطه اهرم مالی به نقطه عطف (آستانه) برسد و بعد از آن نسبت بدهی با افزایش قدرت مدیر عامل شروع به کاهش یافتن پیدا می کند. در واقع هرچه مدیر عامل دارای قدرت بیشتری باشد که این قدرت از طریق دریافت پاداش و داشتن سهام مالکیت و ... بدست آمده باشد باعث می شود تا مدیریت اعتماد به نفس بیشتری داشته و در بلندمدت بتواند وابستگی به دیون خارجی را کاهش داده و شرکت را به سمت سوددهی و کاهش اتکا به بدهی سوق دهد. همچنین این موضوع باعث تداوم فعالیت مدیریت و همچنین تداوم سوددهی سهامداران و کاهش تضاد نمایندگی بین آنها می شود. به طور کلی استفاده از بدهی ها تا نقطه بهینه خاصی در ساختار سرمایه ی شرکت، از طریق کاهش نیاز به تامین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، باعث کاهش تعارضات و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می شود (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶). جنسن (۱۹۸۶) نیز بیان می کند که افزایش اهرم مالی به دلیل فشار ناشی از قراردادهای بدهی، باعث کاهش فرصت رفتارهای فرصت طلبانه از سوی مدیران می شود و به عبارت دیگر آنها را محتاط تر می کند.

## کلمات کلیدی:

رویکردی نوین، بورس، سرمایه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2026598>

